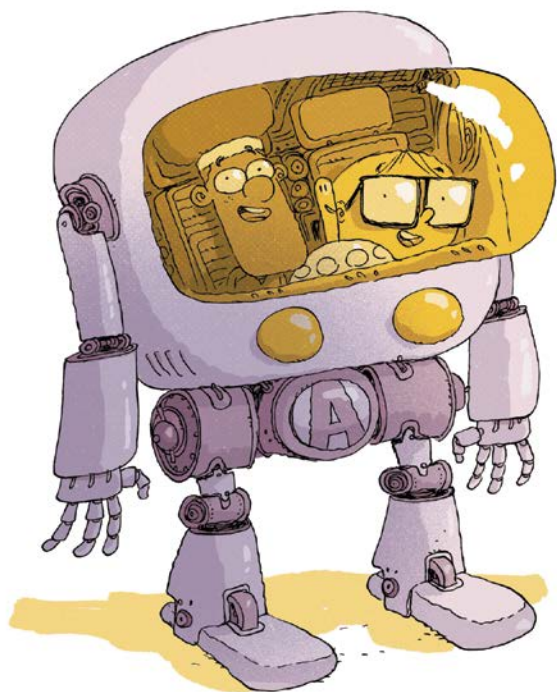


بہتر انداز

۳
ماجراجویی
خفن
با سفینہی
پروفیسور
آچومبہ
سرنڈیپ! حملہ!

ہیو
Hoopa

۳
ماجراجویی
فنون
با سفینه‌ی
پروفسور
آچومبه
سرزندیپ! حمله!



ژانومه کوپونس
تصویرگر: اُسکار ژولوه
مترجم: آزاده رادکیان پور

Original title: Aventura total: ¡Serendip, al ataque!
 © 2020 Jaume Copons, for the text
 © 2020 Óscar Julve, for the illustrations
 © 2020 Penguin Random House Grupo Editorial, S.A.U.
 Translation rights arranged by IMC Agència Literària, SL. All rights reserved.
 Persian Translation © Houpa Publication, 2024



نشر هوپا در چارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از آژانس ادبی نویسنده و تصویرگر آن خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، ژانومه کوپونس، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است. اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت ژانومه کوپونس این کار را کرده است.

llull institut ramon llull

This work was illustrated with the help of a grant provided by the Institut Ramon Llull

سرشناسه: کوپونس، ژانومه، ۱۹۶۶ - م.
 Copons, Jaume

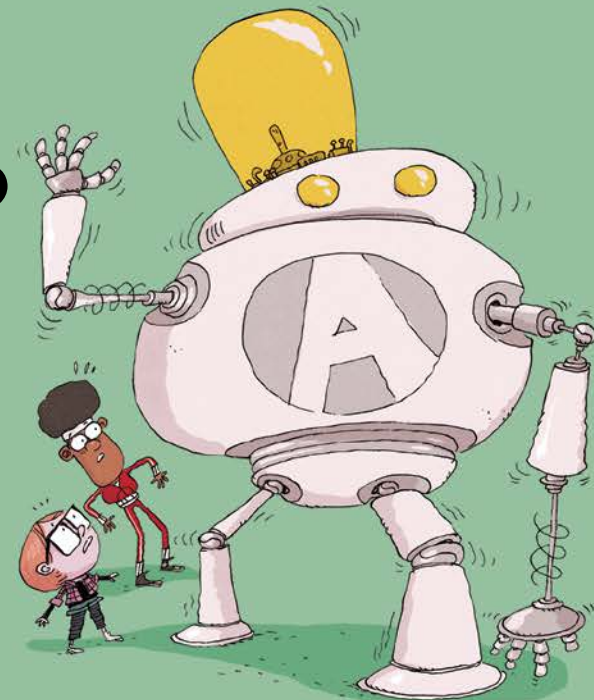
عنوان و نام پدیدآور: نقشه‌ی شرورانه/ ژانومه کوپونس؛ تصویرگر: اسکار ژولو؛ مترجم: آزاده رادکیان‌پور.
 مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری: ۱۰۴ص. مصور(رنگی)
 فروست: ماجراجویی خفن با سفینه‌ی پروفیسور آچومبه: ۳.
 شابک: ۱-۲۳۰-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: Serendip a l'atac!, c2020
 موضوع: داستان‌های اسپانیایی
 Spanish fiction
 موضوع: داستان‌های ماجراجویانه
 Adventure stories
 شناسه افزوده: خوله، اوسکار، ۱۹۷۲- م. تصویرگر
 Julve, Óscar, 1972
 شناسه افزوده: رادکیان‌پور، آزاده، ۱۳۶۵- مترجم
 رده‌بندی دیویی: ۸۶۳/۶۴ دا
 شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۵۰۵۶۲۷

ماجراجویی خفن

با سفینه‌ی پروفیسور آچومبه

سرندپ! حمله!

نویسنده: ژانومه کوپونس
 تصویرگر: اسکار ژولو
 مترجم: آزاده رادکیان‌پور
 ویراستار: پرنیان رجب‌زاده
 طراح گرافیک جلد و متن: شیما هاشمی
 ناظر چاپ: سینا برازوان
 نوبت چاپ: دوم
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۲۱۰۰۰۰ تومان
 شابک: ۱-۲۳۰-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸



هوپا
 Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰ www.hoopa.ir info@hoopa.ir

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

استفاده از متن این کتاب فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

فصل ۱
سفر میان سیاره‌های



و البته فکری کردند، آن‌هم چه فکری! روز بعد وقتی به مدرسه رسیدند، اولییس و لیا خودشان را زدند به مریضی.



وقتی اولییس و لیا فهمیدند دقیقاً روزی که کلاس ماجراجویی علمی دارند، قرار است به اردو بروند، بدجور حالشان گرفته شد. این‌جوری یک سفر به ابدستان از دستشان می‌رفت.



لیا و اولییس جوشانده‌ای را که پرستار به همه می‌داد، خوردند، و وقتی مطمئن شدند که هم‌کلاسی‌هایشان دیگر از مدرسه رفته‌اند، به‌طرز معجزه‌آسایی حالشان بهتر شد.

وقتی به درمانگاه می‌رفتند، اولییس و لیا مجبور شدند حرف‌های بعضی از هم‌کلاسی‌هایشان را تحمل کنند.



روبیكس و پروفيسور وقتى ليا و اولييس راديدند، جا خوردند. خيال مىكردند با بچهها رفتهاند اردو و براى همين از موقعيت استفاده كرده بودند تا سفينه را تقويت كنند.



اولييس و ليا بعد از اين كه جوشاندهها را تا آخر خوردند، بدودو از درمانگاه رفتند بيرون تا برسند سركلاس پروفيسور آجومبه.



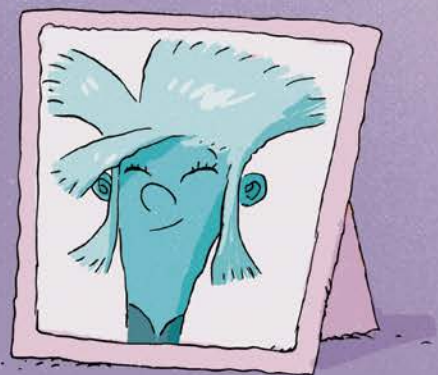
وقتی پروفیسور داشت دنبال وسایل می گشت، لیا از موقعیت استفاده کرد و سوار سفینه شد. درش را بست و حالت سفینه نوردی خودکار را روشن کرد. سفینه سریع شروع کرد به بلندشدن از زمین.



همه چیز داشت عالی پیش می رفت. ولی وقتی پروفیسور به آن ها گفت که سرندیپ تا جلسه ی بعد نمی تواند پرواز کند، لیا ناامید شد.



فصل ۲ یک عکس خیلی عجیب



یعنی هیچ وقت هیچ کی
به حرف من گوش نمیده!
حتی روبیکس!؟

پروفسور، حرص نخورید. من
برای این که مواظب بچه‌ها
باشم سوار سفینه شدم.
بیب. حواسم هست همه چی
خوب پیش بره. بیب.

خوش بختانه بد اخلاقی روبیکس زیاد طول نکشید. با این که روبات بود، درک می کرد که اولییس و لیا قول داده اند به ابدستانی ها کمک کنند.

در طول سفر به ابدستان، روبیکس سعی کرد کار پروفیسور آچومبه را تمام کند، ولی ساده نبود و در ضمن از دست لیا هم حسابی عصبانی بود.



اولیسیس و لیا پایشان را کردند توی یک کفش. ولی هیچ جوره نمی توانستند روبیکس را راضی کنند تا تعریف کند آن عکس آن جا چه کار می کند. و این جوری بود که لیا و اولیسیس فهمیدند روبیکس با این که روبات است، خیلی خوب بلد است خودش را به دیوانگی بزند.



درحالی که روبیکس کار می کرد، اولیسیس و لیا از کتابخانه ی سفینه بازدید کردند و آن جا چیزی دیدند که حسابی گیجشان کرد؛ عکس ملکه ویرانا.



«به زودی فرود می‌آییم. بیب.» این کلمات، جادویی بودند. اولیسیس و لیا از سفینه بیرون را نگاه کردند و دیدند به ابدستان رسیده‌اند. باورش سخت بود که ساکنان سیاره‌ای به آن زیبایی، آن قدر مشکل داشته باشند.

دیگه داریم
فرود می‌آییم!

مستقیم به سمت
جنگل طلایی. بیب.

